

نگاهی به گذشته در امروز

نوشیروان کیهانی زاده

زادروز «ژان ژاک روسو» و نظریه

«مسولیت منتخب مردم در وفای به عهد»
دیورژ زادروز «ژان ژاک روسو» اندیشمند بزرگ بود که ۲۸ ژوئن سال۱۷۱۲ در سوئیس امروز و فرانسه آن روز به دنیا آمد و ۷۹ سال عمر کرد. وی فرضیه‌های متعدد دارد که اشاره به یکی از نکات او، مشکلات انسان را روشن می‌سازد. وی گفته است: انسان‌ها آزاد و برابر به دنیا می‌آیند، ولی می‌بینم که در این دنیا در همه جا در زنجیر هستند و از رنج و ستم، تبعیض و از جدایی‌ها (اختلاف طبقاتی بر حسب دارایی و پول) ناله می‌کنند و این ناله گاهی به فریاد... مبدل می‌شود. اندیشه‌ها و نظرات رادیکال و انقلابی روسو در عصر روشنگری کمکی بزرگ به روشن شدن آتش انقلاب فرانسه و بعداً رشد مکتب‌های سوسیالیستی کرد و در عین حال منجر به برانگیخته شدن احساسات ناسیونالیستی شد و این احساسات را تقویت کرد. روسو را از اصحاب فلسفه حکومتی کنترتاریالیسیسم (فرضیه قرارداد) دانسته‌اند که عقیده‌یی است سیاسی (مربوط به حکومت) بر این پایه که دولت مکلف است بر اساس قراردادی که برای اجرا و رعایت آن انتخاب شده است رفتار کند. بنابراین اعمال یک دولت انتخابی باید بر پایه موافقت عمومی باشد و نقض قرارداد باعث لغو آن خواهد شد و اگر دولت (قوه مجریه) مقاومت کند و کاری از دست قوه قضائیه برای حل مساله ساخته نباشد، جامعه این حق را خواهد داشت که به راه‌های دیگر متوسل شود.

مفسران این فلسفه قول و وعده مفوضان مشاغل انتخابی (نامزدها) را پیش از احراز سمت (پیروز شدن در انتخابات) نوعی بستن قرارداد با مردم خوانده‌اند زیرا مردم (رای‌دهندگان) به اعتبار این وعده و تعهدات آنان را برگزیده‌اند و خلف وعده نتهنیا گناه، بلکه جرم است.

صاحب فرضیه انتخابات

۲۹ ژوئن (امروز) سالمرگ رامون لول (در زبان‌های دیگر: ریمودن لوبلی) فیلسوف و اندیشمند نامور اسپانیایی است که در سال ۱۳۱۵ در ۸۳ سالگی از این دنیا رفت. رامون لول با اینکه در زمان او از دموکراسی و انتخابات، تا هتا اشتراکی در کتاب‌های چشم می‌خورد و دموکراسی لندن هم هنوز نوزادی بیش نبود، فرضیه انتخابات و «ویتیک سیستم» را در رساله «انسان رشیده» به دست داده و «زای دادن» را یک هنر بزرگ انسان خوانده است که انجام دقیق آن به آموزش و مهارت نیاز دارد. طبق فرضیه رامون لول، نه‌تنها حاکم باید با رای آزاد مردم تعیین شود بلکه برای جازه دادن، برنامه‌های عمومی (پلان‌ها) و... نیز باید رای‌گیری و کسب نظر شود. بنابراین نامزدهای هر کار و نیز هر برنامه باید متعدد باشند. هفت قرن پیش وی انتخابات را به عمومی و تخصصی تقسیم کرده و نوشته است برنامه‌های پیچیده (پلان‌ها) و مدیران متخصص باید توسط اهل تخصص و همپایگان‌شان برگزیده شوند.

فرضیه انتخابات (الکتشن ژئازی) نوشته رامون لول سال‌ها ناپدید بود زیرا در قرون وسطی کمتر کسی بود که افکار او در این زمینه را درک کند لذا در گوشه‌یک صفحه خاک می‌خورد.

«اوتو سبک» و ایران باستان

«اوتو سبک» مورخ آلمانی و مولف «ژوال دوران باستان» عصر عتیق» در نوشته‌هایش اشاره‌های بسیار به ایرانیان باستان دارد. او که کنارشناس تاریخ قرون قدیم بود ۲۹ ژوئن ۱۹۲۱ در ۷۱ سالگی فوت شد. به نظر «اوتو سبک» ایران باستان چهار بار دچار فساد دولتی و مبارزه داخلی قدرت شده و سپس دگرگون شد. از این چهار بار، دو بار آن دولت دست به دست شد و دو بار دیگر کشور به تصرف بیگانه درآمد. کوروش هخامنشی دولت مام و اردشیر ساسانی دولت اشکانیان را که به فساد گراییده بودند از میان بردند و وضعیت را اصلاح و رو به راه کردند ولی داریوش سوم و یزدگرد سوم حکومت را از دست دادند و... این مورخ این نظر را که تبلیغ کرده است که مردمان دارای فرهنگ و گذشته مشترک که در پایان قرون قدیم و ادوار تاریخی دیگر به عللی از جمله تجاوزه‌های نظامی دیگران با سیاست‌های قدرت‌ها (سلطه گران) از هم جدا افتاده‌اند، اگر بخواهند زندگانی بهتری داشته باشند باید متحد شوند یا میان خود جوامع مشترک المذافع بنانند.

اخطار تاریخی مالتوس و مساله جمعیت

۲۹ ژوئن سال ۱۷۹۸ میلادی بود که «توماس مالتوس» اقتصاددان و کنیش انگلیسی ضمن انتشار رساله‌یی تحت عنوان «مساله جمعیت» اخطار کرد که اگر افزایش نفوس جهان با تولید مواد غذایی و سایر مایحتاج زندگی متناسب و هماهنگ نباشد، در آینده معادلت رفاه بشر از او سلب خواهد شد و مردم مردگان متحرکی پیش نخواهند بود و از زندگانی خود لذت نخواهند برد.

به علاوه، جمعیت یی حساب عامل فساد و بسیاری از مسائل اجتماعی و دشواری‌های اقتصادی- سیاسی خواهد بود. مالتوس در رساله خود که مفاد آن هنوز تازگی خود را از دست نداده است به اروپا اشاره می‌کند و می‌گوید: اروپا در سال ۱۷۰۰ فقط ۶۶ میلیون جمعیت داشت که امروز (سال ۱۷۱۹) پس از ۹۸ سال دارای ۱۸۰ میلیون جمعیت است و جمعیت اروپا کشای شمالی ۲۵ سال دو برابر می‌شود. وی جهان را به یک کنش فولادین و جمعیت آن را به یک کودک تشبیه کرد که پای او به تدریج بزرگ می‌شود ولی کنش نمی‌تواند متناسب با آن بزرگ شود و مسائل از همین جا آغاز می‌شود. اخطار مالتوس تنها پس از جنگ جهانی دوم در اروپای غربی به گوش‌ها فر و رفت و جمعیت محدود شد. در اروپای غربی رشد سالانه جمعیت در دهه‌های آخر سده ۲۰ بسیار ناچیز و بعضی سال‌ها در برخی کشورها «صفر» و حتی منفی می‌شود ولی در نقاط دیگر جهان تاثیر زیادی نگذاشته است.

دولت واشنگتن و خرید زمین برای ایجاد ایالت

۲۹ ژوئن ۱۸۵۴، دولت واشنگتن ۴۵ هزار مایل مربع دیگر از اراضی مکزیک را از دولت وقت این کشور خریداری و ضمیمه قلمرو خود ساخت که اینک قسمتی از زمین ایالت نیو مکزیکو و آریزونا را تشکیل می‌دهند. دوم فوریه سال ۱۸۴۸ دولت واشنگتن ۲۰۰ هزار مایل مربع زمین از دولت مکزیک خریداری کرده بود که شش ایالت امریکای جمله یوتا، نوادا و... را به وجود آورد.اند. از سرکی آمریکا خریدار این اراضی «جیمز کادامسن» بود که این خرید به نام او در تاریخ ایالات متحده ثبت شده است. مبلغ خرید اول ۱۵ میلیون دلار بود که قسمتی از آن به اتباع امریکا که قبلاً از دولت مکزیک به دلایلی دیگر درخواست غرامت کرده بودند مدد شد.

www.iranianshistoryonthsday.com

کاوش کیفی نامی است برای جنبشی فرمالیستی که در اوایل دهه ۱۹۷۰ به صورت آکادمیک آغاز شد. این جنبش دربرگیرنده انتقاداتی اخلاقی، سیاسی، روش‌شناختی و معرفت‌شناختی از تحقیقات علمی، اجتماعی در رشته‌های علمی و نظام‌های فکری بود که متوجه استراتژی‌های تحقیقاتی پیمایشی، همبستگی آماری، آزمایشی و شبه آزمایشی بودند.

غالباً، دعواها و منازعات گروه‌های

دانشگاهی بر سر معنا و ارزش کاوش‌های کیفی، مباحثات وسیع رشته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، مطالعات زنان، تاریخ و ادبیات درباره اهداف، ارزش‌ها و اخلاقی کارهای فکری را منعکس می‌کنند.

بنابراین کاوش کیفی به مثابه محل یا پهنه انتقاد علمی، اجتماعی نسبت به هر نوع خاص از نظریهٔ اجتماعی، روش‌شناسی یا فلسفه است.

زمینه تاریخی

معمولاً سنت درون‌فهمی به عنوان ویژگی تفسیرگرایی و هرمنوتیک در علوم انسانی توصیف شده است که در اواخر

قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم در واکنش به جامعه‌شناسان و تاریخدانان آلمانی

نوکناتی و سپس فلسفه غالب اثبات‌گرایی برپا خاسته است. در کانون بحث این ادعا وجود داشت که علوم انسانی اساساً در ماهیت و هدف متفاوت از علوم طبیعی حاضر، این موضوع که آیا بر پایه اهداف پیشده شناسا و وحدت علوم معتقدند که هدف هر علم ارائه تبیین علی پدیده‌های اجتماعی، رفتاری و فیزیکی است.

البته، اینها بحث‌های لحاظ‌شده در بین نوکناتی‌ها درباره ماهیت دقیق تفاوت بین علوم بود. و در حال حاضر، این موضوع که آیا بر پایه اهداف متفاوت(تبیین در مقابل فهم) تمایزی بین علوم انسانی و علوم طبیعی وجود دارد یا نه کم و بیش بر هم خورده است؛ اگرچه مهم است که بدانیم مدافعان وحدت علوم انسانی چگونه فلسفه مخصوص به خود را به این موضوع پیوند می‌زنند.

فلسفه‌های تفسیرگرایانه

از دیدگاه تفسیرگراییانه، آنچه کنش انسانی (اجتماعی) را از حرکت اشیای فیزیکی متمایز می‌کند آن است که کنش انسانی (اجتماعی) ذاتاً معنادار است. بنابراین، برای فهم یک کنش اجتماعی خاص (مانند دوستی، ازدواج، دعا و آموزش)، محقق باید قواعدی را بفهمد که آن کنش را می‌سازند. چون کنش انسانی بدین شیوه درک می‌شود، فرمی می‌تواند تعیین کند که یک چشمک، چشمک نیست؛ یا که یک لیخند می‌تواند به عنوان دهن‌کجی یا دوست داشتن تفسیر شود؛ یا که بسیاری از حرکت‌های فیزیکی متفاوت می‌تواند به عنوان اعمال التماس تفسیر شود؛ یا که حرکت فیزیکی یکسان بلند کرد دست می‌تواند بسته به زمینه و نیت کنشگر در تنوع عنوان دعا، تاکسی گرفتن یا اجازه گرفتن برای صحبت تفسیر شود.

درک معنای کنش مستلزم آن است که فرد شیوه‌های خاص عمل کنشگران را تفسیر کند. این فرآیند تفسیر یا درک به طور متفاوت نامیده می‌شود و از آن حیث تفاوت‌های اساسی و مهمی در فلسفه‌های تفسیرگرایی و بین تفسیرگرایی و هرمنوتیک فلسفی واقع می‌شود. شاید این تفاوت‌ها بتوانند به آسانی از طریق لحاظ چهار شیوه تعریف (تشریوین‌سازی) مفهوم فهم تفسیری (درون‌فهمی) فهمیده شود؛ سه شیوه که سنت تفسیری می‌سازند و چهارمی که تمایز هرمنوتیک فلسفی از سنت تفسیری را مورد توجه قرار می‌دهد.

همدات‌پنداری همدلانه

نخستین شیوه تعریف مفهوم فهم تفسیری (درون‌فهمی) در آثار اولیه ویلهلم دیلتای به چشم می‌خورد. مستلزم معتقد است که فهم معنای کنش انسانی مستلزم فهم آگاهی ذهنی یا نیت درونی کنشگر است. بنابراین، درون‌فهمی متضمن نوعی از همدات‌پنداری همدلانه با کنشگر است. همدات‌پنداری همدلانه در قلب هرمنوتیک عینیت‌گرا یا محافظه‌کار قرار دارد. (هیرش ۱۹۷۶) هر دو رویکرد اندیشه‌های مشترکی دارند که به تفسیرگر امکان می‌دهد تا به منظور بازتولید معنا یا نیت کنشگر از شرایط تاریخی‌اش برتری یابد. (رودو و)

هرمنوتیک قدری گیج‌کننده است و بین فلسفه‌های هرمنوتیک و تفسیرگرایانه تمایز قائل می‌شوم.) آیا ممکن است از طریق فرآیند فهم نیت کنشگر به فهم تفسیری دست یافت؟ گیرتز معتقد است که فهم از بررسی نشانه‌های کنشگر و سعی برای کشف(از طریق مشاهده و گفت‌وگو) آنچه کنشگران فکر می‌کنند که آن متعهدند، ناشی می‌شود. باوجود این، اندیشه کسب یک فهم «درونی»- تعریف کنشگران از موقعیت- مفهوم کانونی نیرومندی برای درک هدف کاوش کیفی است.

جامعه‌شناسی پدیده شناختی

دومین شیوه تعریف مفهوم فهم تفسیری در آثار جامعه‌شناسان پدیده‌شناس و روش‌شناسان مردمی – سیکورل و گارفینگل- یافت می‌شود. متأثر از آثار آلفرد شوئس، اساساً تحلیل پدیده شناختی مربوط به فهم این مطلب است که چگونه هر روزه جهان بین ذهنی (جهان زندگی) ساخته می‌شود. هدف فهم، این است که چگونه معناداری کنش‌های خود و دیگران را تفسیر می‌کنیم و چگونه تکون معنای‌های

تفسیرگرایی و هرمنوتیک

توماس شوات

ترجمه: محسن ناصری‌راد



درک معنای کنش مستلزم آن است که فرد شیوه‌های خاص عمل کنشگران را تفسیر کند

عینی‌کنش در ارتباطات بین‌الذهانی افراد در جهان زندگی اجتماعی را بازسازی می‌کنیم. (اوت وایت ۱۹۷۵: ۹۱) شاخص پذیروی و انعطاف پذیروی دو ابزار مفهومی مورد استفاده در این بازسازی هستند. (پاتر ۱۹۹۶) انعطاف پذیروی بدین معناست که معنای فهم کنش انسانی است. مدافعان اثبات‌گرایی و طرفداران وحدت علوم معتقدند که هدف هر علم ارائه تبیین علی پدیده‌های اجتماعی، رفتاری و فیزیکی است.

البته، اینها بحث‌های لحاظ‌شده در بین نوکناتی‌ها

درباره ماهیت دقیق تفاوت بین علوم بود. و در حال حاضر، این موضوع که آیا بر پایه اهداف متفاوت(تبیین

در مقابل فهم) تمایزی بین علوم انسانی و علوم طبیعی وجود دارد یا نه کم و بیش بر هم خورده است؛ اگرچه مهم است که بدانیم مدافعان وحدت علوم انسانی چگونه فلسفه مخصوص به خود را به این موضوع پیوند

بازی‌های زبانی

تعریف سوم فهم تفسیری در تحلیل رویکردهای زبانی نمایانده می‌شود که از پژوهش‌های فلسفی وینگشتاین و به‌خصوص آثار پیتر وینچ ملهم می‌شود. وینچ معتقد است بازی‌هایی وجود دارند که با زبان انجام می‌شود (مانند دستور دادن، سلام دادن و غیره) و اندیشه بازی‌های زبانی ساخته شده فرهنگ‌های متفاوت را گسترش داد. هر یک از این بازی‌ها قواعدی را می‌سازند. چون ملاک‌های خاص خود را دارد. کنش انسانی، شبیه سخن گفتن، یک عنصر ارتباط است که قواعدی بر آن حاکم است. به عبارت ساده‌تر، کنش انسانی از طریق نظام معناها (ویتگنشتاین آن را «بازی زبانی» می‌نامد) که بدان تعلق دارد معنادار است.

درک نظام معناها

(هنجارهای فرهنگی و نهادی، قواعد سازنده کنش و غیره) هدف درون‌فهمی است. (گیلدنتر ۱۹۹۳، هابرماس ۱۹۸۸، اوت وایت ۱۹۷۵)

ویژگی‌های مشترک

این سه شیوه درک مفهوم فهم تفسیری (درون‌فهمی) سنت تفسیرگرایی را می‌سازند و هر سه در ویژگی‌های زیر مشترکند: الف- آنها کنش انسانی را معنادار تلقی می‌کنند؛ ب- آنها تعهدی اخلاقی را نشان می‌دهند که در قالب احترام و وفاداری به جهان زندگی است؛ و ج- از دیدگاه معرفت‌شناختی، آنها در گرایش نوکناتی به تاکید بر نقش ذهنیت انسانی در شناخت (دانش) بدون فدا کردن عینیت شناخت (دانش) مشترکند. به عبارت دیگر، تفسیرگراییان معتقدند ممکن است معنای ذهنی کنش را درک کنیم، اما چنین کاری را به نحوه‌یی عینی انجام می‌دهیم. معنایی که تفسیرگر بازتولید یا بازسازی می‌کند معنای اصلی کنش در نظر گرفته می‌شود. روش صحیحی که به کار گرفته می‌شود، ابزاری است که تفسیرگران را قادر می‌سازد تا به مانند مشاهده‌گران مدعی گرایش نظری ناب شوند. (اوت وایت ۱۹۷۵) گرایش نظری یا عمل تعمق علمی دورادور مستلزم سبک شناختی مشاهده‌گر بی‌طرف است. (شوئس ۱۹۶۲) این، البته، ضرورتاً این واقعیت را انکار نمی‌کند که کاوشگر ممکن است به منظور درک معناهای بین‌الذهانی کنش انسانی، به عنوان یک الزام روش شناختی، و به عبارتی «هرمنوتیک می‌تواند ویژگی‌ها و عینی و معمولاً تفسیرگرایی دربرگیرنده دو بعد درون‌فهمی است که توسط شوئس توضیح داده شده است. درون‌فهمی در سطح ابتدایی، «نام فرآیند پیچیده‌یی است که از طریق همه ما در زندگی روزمره‌مان به عنوان معنای کنش‌های متقابل خودمان و دیگران تفسیر می‌شود.» (برنشتاین ۱۹۷۶: ۱۳۹) همچنین، درون‌فهمی یک «روش ویژه در علوم اجتماعی» است (شوئس ۱۹۶۲: ۵۷)؛ فرآیندی که به واسطه آن دانشمندان علوم اجتماعی سعی می‌کنند تا فرآیند ابتدایی را درک کنند. بنابراین هدف تفسیرگراییان بازسازی خودفهمی کنشگران درگیر در کنش خاص است. به عبارتی «هرمنوتیک می‌تواند ویژگی‌ها و عینی و معرفت‌شناسی‌های تفسیرگرایانه باشد زیرا آنها تاکید

دارند که فرد به منظور آنکه درکی از کنش خاص داشته باشد باید موقعیتی را بفهمد که در آن موقعیت، کنش‌های انسانی معنا را می‌سازد یا کسب می‌کند. (اوت وایت ۱۹۷۵) این دیدگاه مفهوم مشابهی از دور هرمنوتیکی ترسیم می‌کند که به مثابه یک روش یا رویه خاص علوم انسانی است: به منظور فهم جزء(جمله، سخن یا عمل)، کاوشگر باید کل (مجموعه نیات، باورها و تمایلات یا متن، زمینه نهادی، رویه، شکل زندگی، بازی زبانی و...) را بفهمد و بالعکس. گارفینگل در این باره که مردم چگونه جهان خود را درک می‌کنند، معتقد است: «نه‌تنها الگویی اساسی از شواهد مستند افراد مشتق می‌شود بلکه شواهد مستند افراد، به نوبه خود، بر پایه آنچه درباره الگویی اساسی ناشناخته است، تفسیر می‌شود. هر یک برای شرح دیگری به کار می‌رود.»

سرانجام، تفسیرگرایی فهم(درون‌فهمی) را فهم معرفت‌شناختی می‌انگارد و به عنوان فرآیندی فکری در نظر می‌گیرد که به واسطه آن یک شناسنده(محقق به عنوان آزمون) درباره یک موضوع (معنای کنش انسانی) شناخت کسب می‌کند. بنا به عقیده برنشتاین، «مفهوم دور هرمنوتیکی فهم عبارت است از معنا دارد: «متن» (یا جهت‌دار که ما را به متن، نهاد، رویه‌ها، یا شکل زندگی هدایت می‌کند و سعی می‌کنیم بفهمیم. . . .

بنابراین، در سنت تفسیری، تفسیرگر تعیین می‌کند کدام یک تفسیر شود و به عبارتی، تفسیرگر در فرآیند تفسیر، بیرونی و بی‌تاثیر باقی می‌ماند.

هرمنوتیک فلسفی

چهارمین شیوه، و اساساً متفاوت، که بازنمایانده مفهوم فهم تفسیری است در هرمنوتیک فلسفی گادامر و تاپلور یافت می‌شود که ملهم از آثار هایدگر است. عموماً فلسفه‌های تفسیرگرایانه نقش تفسیرگر را در قالب مفسری تعریف می‌کنند که درگیر تحلیل انتقادی را تبیین متنی (یا برخی کنش‌های انسانی) است. عموماً، هم روش دور هرمنوتیکی استفاده می‌کند، عموماً، هم مشاهده‌گر پدیداری و هم تحلیلگر زبانی، مدعی نقش مشاهده‌گر غیردخیل هستند. فهمی که آنها از برخی کنش‌های اجتماعی خاص (یا متن) کسب می‌کنند منحصراً بازتولیدی است و باید درخصوص اصول و پایه‌های باززمانی‌دهی دقت، صحت و اعتبار آن کنش و معنایش قضاوت و دآوری شود.

هرمنوتیک فلسفی به شیوه‌های مختلفی این تصویر معرفت‌شناختی کلاسیک از وظایف و نوع فهمی که «تولید می‌کند» را به چالش می‌طبلد. اولاً برنامه فلسفی هرمنوتیک گادامر و تاپلور این دیدگاه تفسیرگراییانه را رد می‌کند که «هرمنوتیک هنر یا فن فهم و هدف آن بازسازی بنیادهای روش شناختی علوم انسانی است.» (گروندین ۱۹۹۴: ۱۰۹) هرمنوتیک فلسفی معتقد است فهم، در وهله اول، یک اقدام رویه‌مند یا قاعده‌مند نیست. فهم تفسیر است. همچنان‌که گادامر توضیح می‌دهد فهم «یک فعالیت انسانی مجزا نیست بلکه ساختار اساسی تجربه زندگی ما است. ما همیشه چیزی را به عنوان چیزی تلقی می‌کنیم و این فرضیه اساسی جهت‌گیری کلی ماست و نمی‌توانیم آن را به چیزی ساده‌تر و بلاواسطه تقلیل دهیم.»

ثانیاً، در عمل تفسیر(تلفی چیزی به عنوان چیزی)، سوگیری یا پیشداوری که به لحاظ تاریخی اجتماعی به اثر رسیده است، به عنوان ویژگی یا صفتی که یک تفسیرگر باید به منظور دستیابی به فهمی روشن از خود دور کند، تلقی نمی‌شود. سنت‌ها و پیشداوری‌های به هم پیوسته که تلاش‌هایمان را برای فهم شکل می‌دهند به آسانی تحت کنترل ما هستند و می‌توانند بنا به میل گادامسه شناخت کنند. اما هرمنوتیک فلسفی معتقد است سنت چیزی بیرونی، و عینی و وابسته به گذشته نیست. چیزی که بتوانیم از آن آزاد

شویم و خودمان را دور نگاه داریم. (گادامر ۱۹۷۵) علاوه براین، همچنان‌که کالاگر توضیح می‌دهد، سنت «یک نیروی زنده و جاودانه است که در تمامی فهم وارد می‌شود» و «به‌رغم این واقعیت که بخش عمده‌یی از سنت‌ها برای ما ناشناخته‌اند، تفسیرهایمان را کنترل می‌کنند و جلوتر از ما هستند.» وانگهی چون سنت‌ها «آنچه ما هستیم و چگونه دنیا را می‌فهمیم را شکل می‌دهند، تلاش برای یا نهادن به بیرون فرآیند سنت، شبیه به تلاش برای یا نهادن به بیرون پوست بدن خودمان خواهد بود.»

بنابراین دستیابی به فهم موضوعی نیست که کنار گذاشته شود یا رها شود یا نظرات فردی را دنبال کند. برعکس فهم مستلزم به عهده‌گیری و تقلیل سوگیری‌های فردی است. واقعیت این است که ما به سنت «تعلق داریم» و سنتی که بر تفسیر حاکم است بدین معنی نیست که ما صرفاً سوگیری‌های سنت در تفسیر را دوباره به صورت قانون درمی‌آوریم. اگرچه پیش‌فرض‌ها و پیشداوری‌ها مفاهیمی ابتدایی را پیشنهاد می‌کنند که موجب تفسیر کند، پیشداوری‌ها را در مواجهه با آنچه تفسیر می‌شود به مخاطره می‌اندازد.

ثالثاً تنها در یک مواجهه مکالمه‌یی با آنچه فهمیده نمی‌شود، با آنچه بیگانه است، با آنچه ادعایی را موجب می‌شود، می‌توانیم فکر خودمان را از به مخاطره انداختن و آزمودن پیشداوری‌ها و پیش‌فرض‌هایمان آزاد کنیم. (برنشتاین ۱۹۸۳) فهم مشارکتی، گفت‌وگویی و مکالمه‌یی است و همیشه با زبان پیوند دارد و تنها از طریق یک منطق سوالم و جواب حاصل می‌شود. (برنشتاین ۱۹۸۳، گروندین ۱۹۹۴، تاپلور ۱۹۹۱) علاوه بر این، فهم چیزی است که در گفت‌وگو تولید می‌شود نه فهمی که به وسیله یک تفسیرگر از طریق تحلیل فهم بازتولید می‌شود. معنایی که فرد در «درک» کنش اجتماعی یا متن جست‌وجو می‌کند موقتی و فرآیندی است و همیشه در موقعیت زمانی خاص فهم پدید می‌آید. (آیلرس ورت ۱۹۹۱، برنشتاین ۱۹۸۳، گادامر ۱۹۷۵: ۴۱۹)

چنین مفهوم متفاوتی از معنا دلالت بر یک برون‌رفت اساسی از اندیشه تفسیرگرایانه دارد. کنش انسانی معنا دارد و معنا یک اصل تعیین‌پذیر یا تصمیم‌پذیر تفسیرگر است. هرمنوتیک فلسفی دیدگاهی غیرعینیت‌گرایانه از معنا دارد: «متن» (یا کنش انسان) موضوعی کاملاً مستقل از تفسیرهایش نیست و می‌تواند به‌عنوان یک عامل تشخیص صحت‌شان مورد استفاده قرار گیرد. (کانلی و کوئتر ۱۹۹۸: ۱۷) گروندین متذکر می‌شود که «از حیث شکل، فهم در مقایسه با شباهت دخیل در گفت‌وگو شباهت کمتری نسبت به درک محتوا و معنای ذهنی و ادراکی متن دارد.» به عبارت دیگر معنا در عمل تفسیر و مقابلاً پس از گفت‌وگو به توافق می‌رسد و به آسانی کشف نمی‌شود.

بدین معنا هرمنوتیک فلسفی در مورد معنا با یک رئالیسم ساده‌لوحانه یا عینیت‌گرایی مخالفت می‌کند و می‌توان گفت تئابجی را که هرگز تفسیر صحیحی ندارد، تایید می‌کند. همچنین این دیدگاه متعلق به برخی از برساخت‌گرایان است. با وجود این هرمنوتیک فلسفی معنا را نه ضرورتاً به عنوان یک برساخته بلکه به عنوان یک توافق مبتنی بر گفت‌وگو می‌بیند.

سرانجام، همچنان‌که در بالا پیشنهاد شده است، نوع فهمی که از مواجهه ناشی می‌شود همزمان نوعی از «کارکرد» است. به عبارت دیگر در عمل فهم در مرحله مجزا وجود دارد. اول کسب فهم؛ دوم کاربرد فهم. به بیان دقیق‌تر فهم نوعی از تجربه عملی «در» است. «از» جهان است. فهم «زنده» و وجودی است. گادامر این مطلب را بدین گونه توضیح می‌دهد که «فهم مانند فنر، همیشه یک مخاطره باقی می‌ماند و هرگز جا را برای کاربرد آسان یک شناخت (دانش) عام قواعد وانی نمی‌نهد تا گزاره‌ها یا متون فهمیده شود. وانگهی آنچه که موفق است، فهم یعنی رشد آگاهی درونی، همان‌طور که یک تجربه جدید به بافت تجربه ذهنی مان وارد می‌شود. فهم یک ماجراجویی است و شبیه هر ماجراجویی دیگر مخاطره‌آمیز است. . . .» هدف هر فهم به عنوان نوعی از شناخت (دانش) سیاسی- اخلاقی که همزمان متضمن، دخیل (و بنابراین مورد علاقه) و مربوط به انتخاب عملی است، عنصر کانونی هرمنوتیک فلسفی است.

هرمنوتیک فلسفی روش‌شناسی «حل مساله» بدفهمی یا مسائل مربوط به معنای صحیح کنش انسانی نیست. گادامر مکرراً تاکید کرده است کار هرمنوتیک «بسط رویه فهم نیست بلکه شفاف‌سازی شرایطی است که در آن شرایط فهم رخ می‌دهد. اما این شرایط ناشی از ماهیت «رویه» یا روشی نیستند که تفسیرگر باید خود درباره متن خلق کند». هدف هرمنوتیک فلسفی، فلسفی است- فهم آنچه در فرآیند خود فهم درگیر است. (مدسین ۱۹۹۱)
بی‌نوشت:

۱-دیلتای بر اهمیت به قاعده درآوردن تجربه دیگری تاکید دارد و مفهوم مشابهی از درون‌فهمی را به عنوان «فهم عقلانی‌انگیزش» تایید می‌کند. دیلتای در نوشته‌های بعدی‌اش، بر مفهوم همدات‌پنداری همدلانه تاکید می‌کند و بیشتر راجع به تفسیر هرمنوتیکی محصولات فرهنگی صحبت می‌کند.

معرفی کتاب

ژاک دریدا



در ایران معمول است وقتی کتاب‌های منتشرشده به چاپ‌های بعدی می‌رسند، بدون تغییر و حتی ویرایش مجلد چاپ می‌شوند. کمتر به کتابی برمی‌خوریم که در چاپ‌های دوم و سوم خود، افزودنی داشته یا اشتباهات پیشین برطرف شده باشد. ژاک دریدا را که همه می‌شناسند. خوشبختانه تب دریدا در ایران خوابیده و اکنون اگر کتابی از او چاپ شود، بدون تب «خوانده» می‌شود. دست‌کم امیدواریم. دکتر محمدضمیران چند سال پیش کتابی درباره اندیشه دریدا نوشته بود(۱۳۷۹)، اکنون این کتاب را به چاپ دوم رسانده است با این تفاوت که فصلی ۵۰ صفحه‌یی به آن افزوده است و اندیشه دریدا را در دهه ۹۰ (هر چند- به قول خودش- شتابان و به گونه‌یی کوتاه) توضیح داده است. اما از قضا آنچه در ایران مغفول مانده بود همین دریدای دهه ۸۰ و ۹۰ است؛ امری که به دلیل ذات اندیشه او، دریدابازی را به عقب‌نشینی وامی‌دارد. از این منظر چاپ چنین کتاب‌هایی، هرچند مختصر، غنیمت است. نشر هرمس این کتاب را با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۳۲۰۰ تومان به چاپ رسانده است.

مارکس و هزاره نوین



نویسنده کتاب «مارکس و هزاره نوین» سیریل اسمیت، قصد دارد با پیش کشیدن این بحث که سنت مارکسیستی ایده اساسی دربارۀ انسان را کنار گذاشته است، آثار مارکس را به شأن درخور آن بازگرداند. اسمیت در کنار نظرات مارکس به آزمودن افکار لنین و تروتسکی نیز می‌نشیند و از اختلاف‌هایی که از کائوتسکی، پلخانف و حتی معاصران مارکس سرچشمه گرفته، پرده برمی‌دارد. این کتاب بحث پراکنگیز پریشاس اساسی مارکس را چستی انسان می‌داند و نشان می‌دهد هرچه بیشتر از قرن بیست و یکم می‌گذرد، این پرش پرزنگتر می‌شود. سیریل اسمیت سال‌ها تا هنگام بازآشناسگی به تدریس آمار در مدرسه اقتصادی لندن مشغول بود. کتاب جامعه‌کمونستی و نظریه مارکسیستی (۱۹۸۸) نیز از تالیفات اوست. کتاب کارل مارکس و خودآفرینی انسان» را نشر نیکا در سال ۱۳۸۴ منتشر کرده است. کتاب «مارکس و . . .» را دکتر فاتح رضایی ترجمه کرده و نشر نیکا با تیراژ ۱۰۰۰ نسخه و قیمت ۴۸۰۰ تومان روانه بازار کتاب کرده است.

حکمت سقراط و افلاطون

انتشارات هرمس، کتاب شش رساله اثر افلاطون و به ترجمه محمدعلی فروغی را با ویرایش و حروفچینی جدیدی چاپ کرده است. دیدگاه اولی که فروغی آن را نوشته، در پای خود تاریخ ۱۲۹۷ شمسی را دارد. فروغی در آن زمان نیز از اینکه چنین آثاری به «پarsi»ترجمه نشده، کلاه‌یکه نوشته است: «عبدالحمیدالصلوه چون رسائل و کتب افلاطون شهر حکمای عاقدیقر یونان، که در لفظ گزاینهاتاری عقد لالی است و معنی کلید گنج معالی، تاکنون به زبان پارسی درنیامده و برای این ما ایرانیان قفدانی عظیم است.» شش رساله با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۵۰۰۰ تومان راهی بازار نشر شده است.

داستاویفسکی، فلسفه، ادبیات



پیش از این کتاب‌هایی در حوزه فلسفه از دکتر کریم مجتهدی دیده بودیم. این بار کتابی از ایشان، تحت عنوان داستاویفسکی (آثار و افکار) چاپ شده که تالیف است. اگرچه داستاویفسکی در عرصه ادبیات، شهرت دارد اما بی‌گمان نمی‌توان او را تنها نویسنده ادبی حساب آورد. مجتهدی در فصل آخر این کتاب پرسیده است: «آیا داستاویفسکی را می‌توان فیلسوف نامید؟» واقع این کتاب به نوعی به رابطه بین فلسفه و ادبیات پرداخته است. مجتهدی از نظر فلسفه نیز به داستاویفسکی نگاه کرده است و نوشته است: «دو مفهوم فلسفه و ادبیات، بدون اینکه الزاماً با هم تباین داشته باشند، به سبب اقسام متعدد هر یک و دایره شمول بسیار وسیع هر دو، تصور نرود بتوان هیچ‌گاه مرز میان آنها را به‌طور دقیق تعیین کرد. کتاب را با تیراژ ۳۰۰۰ نسخه و قیمت ۲۸۰۰ تومان می‌توان از کتابفروشی‌ها تهیه کرد.

بازی ذهنی سوفی



دنیای سوفی نوشته یاستین گوردر، کتابی است درباره سیر تاریخ فلسفه به زبان ساده. این کتاب در سال‌های اخیر چند بار ترجمه و بارها و بارها تجدید چاپ شده است. خوانندگان ایرانی آن را بسیار استقبال کرده‌اند. مهرداد بازیاری مترجم اخیر این کتاب که دیگر کتاب‌های این نویسنده را نیز ترجمه کرده است با ترجمه دنیای سوفی، ترجمه همه کتاب‌های گوردر را به چاپ رسانده است.

مترجم در مقدمه توضیح داده است که چرا یک بار دیگر این کتاب را چاپ کرده است. انتشارات هرمس این کتاب را با چاپ و کاغذی بسیار خوب به چاپ رسانده است. تیراژ آن ۵۰۰۰ نسخه است و با قیمت ۷۵۰۰ تومان راهی بازار کتاب شده است. همچنین این مترجم کتابی دیگر از یاستین گوردر با عنوان «دختر پرتقال» ترجمه کرده که هرمس آن را به چاپ رسانده است. تیراژ این کتاب ۵۰۰ نسخه است و قیمت آن ۱۹۰۰ تومان. این کتاب همچون دیگر کتاب‌های گوردر خواندنی و جذاب است.

یکشنبه

۹ تیرماه

۱۲۲۹- ۲۵ جمادی الثانی

۲۹- ۲۰۰۸ ذی‌حجّه

۱۷۱۱